

نظم طبیعی و قانونی

در

جهان



احمد ایزد پرست
و کیل داد گستری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

موجودیت اشیا در جهان از جماد و نبات و حیوان بمعنای ادامه نظم و ترتیب در اجزای وجود آنهاست : يك قطعه ذغال سنگ تا وقتی که ذرات آن ، چنانکه طبیعت ذغال سنگ اقتضا دارد، بهم پیوسته است، بموجودیت خود ادامه می دهد، ولی همینکه در کوره آتش افکنده شد و ذرات آن وضع خاص خود را از دست داد و تبدیل بخاکستر گردید، آن وقت موجودیت ذغال سنگ هم پایان می یابد ؛ يك درخت تا وقتی که ریشه آن در خاک است و از آب و زمین ارتزاق می کند و با شاخه ها و برگ های خود از هوا و آفتاب بهره می گیرد، با سرسبزی موجودیت خود را نشان می دهد، ولی همینکه تبرهیزم شکن تنه و ریشه آنرا

از هم جدا کند، چون نظم و ترتیب در اجزای درخت بهم می خورد، موجودیت آنهام
خاتمه می پذیرد.

انسان نیز چنین است و موجودیت او تا وقتی که دستگامهای دقیق و شگرف
ظاهری و باطنی پیکر او بخوبی کار می کنند و نظم و ترتیب در کار آنها برقرار
است، زنده و آماده برای ترقی و تکامل است. ولی اگر مانعی نظم و ترتیب کار
دستگامها را مختل کند، اگر اختلال متوجه قسمتهای اساسی مانند مغز و قلب
باشد، مرگ فوراً بسراغ او می آید و اگر ناهم آهنگی متوجه دستگامهای
تکمیلی مانند بینایی و شنوایی او شود، خود آن دستگامها از کار باز می ماند و
موجودیت آنها قطع می گردد.

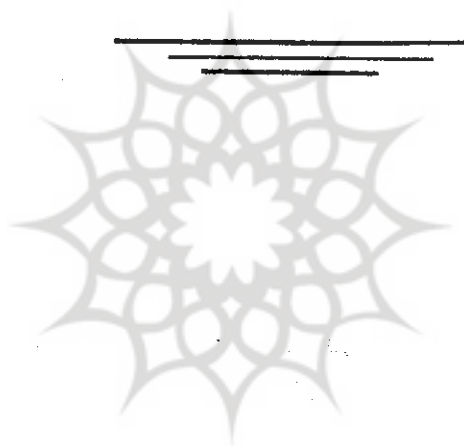
این چنین نظم طبیعی موجود در اشیا را حکمای ما «تکوینی» و نوع دیگر
از نظم ناشی از وضع قوانین و اجرای احکام را «تدوینی» نامیده اند.

نظم تدوینی هنگامی محقق می گردد که موجودیت قوانین چه اجتماعی
و چه اقتصادی و الزام آور بودن احکام چه قضایی و چه اداری، سرچشمه ای جز
منطق و استدلال کلی و مطلق نداشته باشد. نظم واقعی در روابط جهانی ملل
و در روابط داخلی هر یک از ملتها را هنگامی خود انسان تایید می کند که این
نظم از مصالح حقیقی ملتها سرچشمه گرفته باشد.

سیر تکامل دانش در جهان اسلام که با تلاش بیدریغ اندیشمندان پرتوان
ما تحقق یافت، بر اثر پیروی از چنین اصلی بوده است. و در اینجا بی مناسبت
نیست که بعنوان مثال یادی از یکی از این گونه شخصیتهای بزرگ بشود:

او مرحوم میرزا ابوالحسن مشکینی استاد و فقیه بزرگ نجف
بود که در حوزه درس بدون آنکه کوچکترین التفاتی بسیر تکامل علوم
و افکار مغرب زمین داشته باشد، باروش تحلیل و تجزیه هر موضوع مشکل
را بموضوعات آسان بر می گردانید و طریقه حل مسایل دشوار را با

برگرداندن آنها بقضایای ساده معمول می‌داشت. و شاهد این حقیقت
تعلیقات مختصر استاد بر کتاب کفایه است که در آن می‌توان نمونه‌ای از
روشهای عالمانه و منطقی متفکران بزرگ ما که بحق‌امایه افتخار و
سرفرازی بوده‌اند، باروشنی دریافت نمود.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی